

ارزیابی برآورد حمایت از مصرف‌کنندگان نان در ایران

سید صفدر حسینی و سمانه ایروانی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۹/۸

چکیده

هدف اصلی این پژوهش ارزیابی برآورد حمایت از مصرف‌کننده‌ی نان در ایران طی دوره‌ی ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۵ است. این شاخص میزان حمایت واقعی از مصرف‌کننده‌ی نان را در سیاست غذای ارزان نشان می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که برآورد حمایت از مصرف‌کننده‌ی نان از میانگین ۴۵ میلیارد ریال در برنامه‌ی اول، به ۲۳۱۳۴ میلیارد ریال در برنامه‌ی چهارم افزایش یافته است که نشان می‌دهد مقدار حمایت از مصرف‌کننده در برنامه‌ی چهارم نسبت به برنامه‌ی اول توسعه ۶ برابر شده است. همچنین شاخص حمایت درصدی از میانگین ۳۲ درصد در برنامه‌ی اول به ۹۲ درصد افزایش یافته است. بر اساس ضریب حمایت اسمی مصرف‌کننده‌ی نان (NPC)، در برنامه‌ی چهارم توسعه، قیمت پرداختی دولت به گندم داخلی ۶۶ درصد بیش‌تر از قیمت جهانی آن بوده در حالی که در برنامه‌ی اول توسعه، ۴۵ درصد پایین‌تر از قیمت جهانی بوده است. پیش‌نهاد می‌شود که سیاست‌های کشاورزی از انتقال‌های توزیعی به سیاست‌هایی انتقال یابد که به بهره‌وری و کارایی تولید کمک می‌کند.

طبقه‌بندی JEL: Q16، Q17، Q18

واژه‌های کلیدی: سیاست، غذای ارزان، برآورد، حمایت، مصرف‌کننده، نان، ایران

* به ترتیب استاد و دانشجوی کارشناسی ارشد گروه اقتصاد کشاورزی دانشکده‌ی اقتصاد و توسعه کشاورزی

دانشگاه تهران

E-mail:hosseini_safdar@yahoo.com

مقدمه

سیاست‌های حمایتی از مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی در بخش کشاورزی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به شمار می‌آید. امروز اهمیت و جایگاه یکنای بخش کشاورزی در قالب کارکردهای کلاسیک و رایج آن مانند تامین مواد غذایی و مواد خام صنایع، صادرات، ارزآوری و اشتغال؛ نه تنها تضعیف نشده، بلکه در روند برنامه‌های توسعه‌ی کشورهای پیش از پیش تقویت شده است. این نوع حمایت‌ها از بخش کشاورزی از نظر کیفی و سطح حمایت چشم‌گیر است؛ به گونه‌ای که دامنه‌ی آن‌ها حتی در کشورهای توسعه‌یافته نه تنها کاهش نیافته، بلکه ضرورت تداوم، تقویت و تنوع حمایت‌ها همواره افزایش داشته است (موسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۴). بر این اساس، در بیش‌تر کشورهای جهان، بدون حمایت از بخش کشاورزی، تعداد بسیاری از کشاورزان و روستاییانی که درآمدشان اندک است، با مشکلات جدی روبه‌رو خواهند شد؛ بنابراین در پیش‌گرفتن سیاست‌های حمایتی از طرف دولت موضوعی ضروری است (حمیدنژاد، ۱۳۷۳). در ایران نیز مانند دیگر کشورهای جهان، سیاست‌های حمایتی از تولیدکننده و مصرف‌کننده‌ی بخش کشاورزی در چارچوب برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد. به طوری که سیاست‌های حمایت از تولیدکننده از میانه‌های سال ۱۳۴۰ آغاز شد و در سال ۱۳۶۸ با تصویب قانون تضمین خرید محصولات اساسی کشاورزی، شکل قانونمندی یافت. هم‌چنین در قانون برنامه‌ی اول و دوم توسعه‌ی اقتصادی نیز بر تداوم پرداخت یارانه به نهاده‌های کود و بذر پافشاری شده است (موسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۴). افزون بر این، سیاست‌های حمایت از مصرف‌کننده نیز به صورت سیاست‌های غذای ارزان، از آغاز دهه‌ی ۱۳۵۰ آغاز شده و هر ساله بخش زیادی از بودجه‌ی سالانه‌ی کشور را به خود اختصاص داده است، به طوری که در سال ۱۳۸۳، ۸۰ درصد از کل یارانه‌ی پرداختی کشور (بدون احتساب یارانه‌ی سوخت) صرف سیاست‌های غذای ارزان شد. در این میان سیاست نان ارزان، در بین سیاست‌های غذای ارزان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به طوری که ۶۷

ارزیابی برآورد حمایت از مصرف کنندگان نان در ایران

درصد از مخارج سیاست‌های غذای ارزان در سال ۱۳۸۳ به این سیاست حمایتی اختصاص یافت (بانک مرکزی ج.ا.ایران، ۱۳۸۳).

برای ارزیابی سیاست‌های کشاورزی طرف مصرف، پژوهش‌های زیادی در داخل کشور صورت گرفته که حمایت از مصرف‌کننده را تنها از دیدگاه حمایت‌های بودجه‌ای دولت بررسی کرده‌اند. از جمله‌ی این بررسی‌ها، (نجفی، ۱۳۸۶؛ فرج‌زاده و نجفی، ۱۳۸۳؛ ضیایی، ۱۳۸۱؛ پرمه و حیدری، ۱۳۸۵؛ نجفی و شوشتریان، ۱۳۸۳) است که تنها به هدفمندسازی یارانه‌ها توجه کرده‌اند. هم‌چنین حسینی و حسن‌پور (۱۳۷۹) در بررسی خود آثار رفاه اقتصادی و کارایی سیاست‌های غذای ارزان را بررسی کردند. برای این منظور با استفاده از رهیافت مازادهای اقتصادی، رفاه هر یک از گروه‌های دارای نفع؛ مصرف‌کننده، مالیات‌دهنده و تولیدکننده‌ی گندم را برای سال ۱۳۷۶ بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های غذای ارزان بیش از آن چه رفاه مصرف‌کننده را افزایش دهد (به طور متوسط ۴,۳۱۷ میلیارد ریال)، موجب کاهش رفاه مالیات‌دهنده و تولیدکننده شده است. زیان حاصل از این سیاست در مقایسه با رفاه ایجاد شده بسیار زیاد است. از این رو در انتقال درآمد، کارایی چندانی ندارد. حسینی درویشانی و غریب رضا (۱۳۸۲) سیاست‌های حمایتی از بخش کشاورزی را از دیدگاه حمایت از مصرف‌کننده‌ی کالاهای کشاورزی ارزیابی کردند. در این پژوهش با استفاده از برآورد حمایت از مصرف‌کننده^۱ مقدار حمایت از مصرف‌کننده‌ی کالاهای کشاورزی برای دوره‌ی زمانی ۸۰ تا ۱۳۵۵ بررسی شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد حمایت درصدی از مصرف‌کننده^۲ در طول دوره‌ی بررسی شده، روندی افزایشی داشت به گونه‌ای که از ۰/۲۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۶/۶ درصد در سال ۱۳۸۰ رسید.

مهم‌ترین تفاوت پژوهش‌های داخلی با این پژوهش، این است که این پژوهش‌ها حمایت از مصرف‌کننده را تنها با توجه به انتقال‌های درآمدی ارزیابی کرده‌اند که از مالیات‌دهنده به مصرف‌کننده‌ی نان (حمایت‌های بودجه‌ای دولت) صورت گرفته است؛ در حالی که این

1-Consumers Support Estimate (CSE)

2-Percentage Consumers Support Estimate (CSE%)

پژوهش افزون بر حمایت‌های بودجه‌ای دولت، انتقال‌های قیمتی بین مصرف‌کننده و تولیدکننده‌ی گندم را نیز مورد توجه قرار داده است. هم‌چنین در پژوهش حسینی درویشانی و غریب رضا (۱۳۸۲) حمایت کل از مصرف‌کننده‌ی بخش کشاورزی برآورد شد، در حالی که این پژوهش تلاش در محاسبه‌ی حمایت برای کالای خاصی (نان) را دارد.

افزون بر پژوهش‌های داخلی، پژوهش‌هایی در خارج از کشور، بویژه در کشورهای عضو سازمان هم‌کاری و توسعه‌ی اقتصادی^۱، حمایت از مصرف‌کننده را بررسی کرده‌اند. پرچگال^۲ (۲۰۰۲) در پژوهشی به بررسی روش اندازه‌گیری میزان حمایت و استفاده از آن در ارزیابی سیاست می‌پردازد که سازمان هم‌کاری و توسعه‌ی اقتصادی از سال ۱۹۸۷ برای اندازه‌گیری حمایت از کشاورزی، از برآورد حمایت از تولیدکننده^۳ و برآورد حمایت از مصرف‌کننده استفاده می‌کرده است. با اصلاح سیاست‌های اقتصادی در کشورهای عضو سازمان هم‌کاری و توسعه‌ی اقتصادی، تعداد و پیچیدگی سیاست‌ها افزایش یافت و طبقه‌بندی سیاست‌ها به وسیله‌ی این سازمان گسترش پیدا کرد. پایه‌ی نظام طبقه‌بندی سازمان هم‌کاری و توسعه‌ی اقتصادی- که در این پژوهش بررسی شده است - گروه‌بندی سیاست‌ها بر اساس زمینه و محدوده‌ی کاربرد آن‌ها و بدون توجه به هدف‌ها و اثرهای آن‌ها است. این پژوهش دامنه‌ی شمول، تعریف‌ها، ملاک‌های طبقه‌بندی و روش‌های محاسبه‌ی شاخص‌های حمایت مربوط به سیاست‌های کشاورزی سازمان هم‌کاری و توسعه‌ی اقتصادی را تحلیل می‌کند. هم‌چنین به تحلیل و تفسیر مفاهیم حمایت از قیمت بازاری^۴ و دیگر شاخص‌های اصلی حمایت می‌پردازد. در پژوهش دیگری، کاکمک^۵ (۲۰۰۳) به ارزیابی سیاست‌های کشاورزی گذشته و آینده در ترکیه می‌پردازد به این مفهوم که آیا سیاست‌ها به توسعه‌ی پایدار منجر میشوند؟ در این پژوهش، میزان حمایت از مصرف‌کننده‌ی کالاهای کشاورزی در ترکیه با استفاده از برآورد حمایت از

1-Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

2-Portugal

3-Producer Support Estimate (PSE)

4-Market Price Support (MPS)

5-Cakmak

6-Kwiecinski and Tongeren

ارزیابی برآورد حمایت از مصرف کنندگان نان در ایران

مصرف‌کننده برای دوره‌ی ۲۰۰۴ تا ۱۹۸۶ محاسبه شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حمایت درصدی از مصرف‌کننده‌ی کالاهای کشاورزی و مصرف‌کننده‌ی نان در ترکیه طی دوره‌ی مورد بررسی به ترتیب برابر با ۴۹ و ۴۷ درصد بوده است. این شاخص نشان می‌دهد که ۱۷ درصد از هزینه‌های مصرفی نان در ترکیه ناشی از حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی است. در همین دوره، حجم انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده‌ی نان به تولیدکننده‌ی گندم به طور میانگین برابر با ۲۳۷۳۶۵ میلیون لیر ترک بوده است؛ افزون بر این، بر اساس آمارهای موجود، دولت ترکیه هیچ گونه حمایت بودجه‌ای از مصرف‌کننده‌ی نان نداشته است. کواپنسکی و تانگرن (۲۰۰۷) در بررسی خود، حمایت درصدی از مصرف‌کننده‌ی کالاهای کشاورزی در چین را برای دوره‌ی ۲۰۰۳ تا ۱۹۹۳ محاسبه کرده‌اند. میزان این شاخص طی این دوره بین ۴ درصد تا ۱۵ درصد نوسان داشته است. هم‌چنین درصد حمایت از مصرف‌کننده‌ی نان طی این دوره به طور متوسط ۶/۲۸ درصد برآورد شده است. سازمان هم‌کاری و توسعه‌ی اقتصادی نیز در سال ۲۰۰۵، برآورد حمایت از تولیدکننده، برآورد حمایت از مصرف‌کننده، برآورد حمایت از خدمات عمومی^۱ و برآورد کل حمایت از بخش کشاورزی را برای کشورهای عضو سازمان برای دوره‌ی زمانی ۲۰۰۴ تا ۱۹۸۶ محاسبه کرد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در بیش‌تر کشورهای عضو سازمان هم‌کاری و توسعه‌ی اقتصادی، حمایت از مصرف‌کننده رو به افزایش بوده، در حالی که حمایت از تولیدکننده روند کاهشی داشته است. برای نمونه درصد حمایت از مصرف‌کننده‌ی نان در کشور ژاپن از ۸۳ درصد در سال ۱۹۸۶ به ۴۱ درصد در سال ۲۰۰۴ افزایش یافت. هم‌چنین در ایالات متحده‌ی آمریکا درصد حمایت از مصرف‌کننده‌ی نان از ۷ درصد در سال ۱۹۸۶ به ۲۷ درصد در سال ۲۰۰۴ رسید. بر پایه‌ی این نتایج، افزایش حمایت از مصرف‌کننده در طی این دوره، بیش‌تر به علت کاهش حمایت‌های گسترده‌ی کشورهای توسعه‌یافته از تولیدکننده‌ی کشاورزی بوده است. به طوری که در ایالات متحده آمریکا انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده‌ی نان که در قبال سیاست‌های حمایتی از تولیدکننده ایجاد می‌شود، طی دوره‌ی مورد بررسی از ۳۳۳ میلیون

1-General Services Support Estimate (GSSE)

دلار در سال ۱۹۸۶ به صفر دلار در پایان دوره کاهش یافته است. در مقابل، حمایت‌های بودجه‌ای دولت به مصرف‌کننده‌ی نان از ۴۹۸ میلیون دلار در شروع دوره به ۸۵۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۴ افزایش یافت.

به طور کلی، سیاست‌های حمایتی از مصرف‌کننده و تولیدکننده با هدف انتقال و بازتوزیع درآمد بین گروه‌های مختلف تولیدکننده، مصرف‌کننده و مالیات‌دهنده اتخاذ می‌شود، به طوری که، کشورهای توسعه‌یافته با استفاده از ابزار سیاست‌های حمایتی تولید، درآمد را از مصرف‌کننده و مالیات‌دهنده به تولیدکننده‌ی کشاورزی منتقل می‌کنند. در حالی که کشورهای مصرف‌کننده در حال توسعه با در پیش گرفتن چنین سیاستی، موجب انتقال درآمد از تولیدکننده به مصرف‌کننده می‌شوند (حسینی، ۱۳۸۵). به بیان دیگر، با دخالت در بازار محصولات کشاورزی و اعمال قیمت‌های تضمینی که در کشورهای در حال توسعه به طور معمول پایین‌تر از قیمت جهانی است، دولت به جای حمایت از تولیدکننده‌ی داخلی در واقع به حمایت از مصرف‌کننده می‌پردازد. اگر قیمت جهانی در بازار اعمال می‌شد، هزینه‌های مصرفی مصرف‌کننده افزایش می‌یافت. بنابراین سیاست‌های حمایتی از بخش تولید کشاورزی اگر حمایت واقعی نباشد و موجب اخذ مالیات پنهان از تولیدکنندگان شود، به حمایت از مصرف‌کننده منجر خواهد شد. هم‌چنین کشورهای در حال توسعه، با در پیش گرفتن سیاست‌های غذای ارزان نیز، بازتوزیع درآمد از تولیدکننده و مالیات‌دهنده را به مصرف‌کننده‌ی کالاهای کشاورزی موجب می‌شوند (حسینی، ۱۳۸۵).

در ایران و دیگر کشورهای در حال توسعه، افزون بر سیاست‌های حمایتی از مصرف‌کننده، سیاست‌های حمایتی از تولید نیز در جهت حمایت از مصرف‌کننده بوده و موجب انتقال درآمد از تولیدکننده به مصرف‌کننده شده است. از این رو، ارزیابی سیاست‌های حمایتی با توجه به انتقال‌های درآمدی بین گروه‌های هدف، می‌تواند برآورد شفاف‌تر و دقیق‌تری از حمایت‌ارایه دهد. در همین زمینه، این مقاله، به محاسبه و ارزیابی حمایت از مصرف‌کننده‌ی نان با توجه به انتقال‌های درآمدی از تولیدکننده و مالیات‌دهنده به مصرف‌کننده‌ی نان طی دوره‌ی زمانی ۸۵ تا ۱۳۶۸ می‌پردازد. افزون بر این، با توجه با پژوهش‌های انجام شده در کشور و نبود

ارزیابی برآورد حمایت از مصرف کنندگان نان در ایران

پژوهشی جامع در زمینه‌ی سیاست‌های حمایتی از مصرف‌کننده‌ی نان و با توجه به بحث هدف‌مندسازی یارانه‌ها - بویژه یارانه‌ی نان - و سهم بیش‌تر نان در سبد غذایی خانوارها بویژه برای خانوارهای کم درآمد، این پژوهش با محاسبه و ارزیابی حمایت واقعی از مصرف‌کننده‌ی نان، راه‌کار روشنی در راستای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در خصوص هدف‌مند ساختن یارانه‌های دولت و طرح تحول اقتصادی، پیش روی سیاست‌گذاران قرار می‌دهد.

روش تحقیق

ارزیابی سیاست‌های حمایتی از مصرف‌کننده‌ی نان، با استفاده از شاخص برآورد حمایت از مصرف‌کننده و دیگر شاخص‌های مربوط طی دوره‌ی زمانی ۸۳ تا ۱۳۶۸ صورت می‌گیرد. برآورد حمایت از مصرف‌کننده از رایج‌ترین شاخص‌های حمایت از بخش کشاورزی است که از سال ۱۹۹۹ به طور گسترده‌ای در ارزیابی سیاست‌های حمایتی از مصرف‌کننده‌ی کالاهای کشاورزی در کشورهای عضو سازمان هم‌کاری و توسعه‌ی اقتصادی و در دیگر کشورها مورد استفاده قرار گرفته است. در ادامه، تعریف و چه‌گونگی محاسبه‌ی برآورد حمایت از مصرف‌کننده ارائه می‌شود.

الف - تعریف برآورد حمایت از مصرف‌کننده

برآورد حمایت از مصرف‌کننده، شاخصی از ارزش سالانه‌ی انتقال‌های ناخالص به مصرف‌کننده‌ی کالاهای کشاورزی است که در قیمت سر مزرعه ارزش‌گذاری شده است. به عبارت دیگر این شاخص اختلاف بین حمایت‌های بودجه‌ای دولت از مصرف‌کننده و انتقال‌های قیمتی را که از مصرف‌کننده به تولیدکننده و واردکننده صورت می‌گیرد؛ نشان می‌دهد. انتقال‌های قیمتی که از مصرف‌کننده به تولیدکننده صورت می‌گیرد، در نتیجه‌ی سیاست‌های حمایتی از قیمت بازار محصولات کشاورزی است که این سیاست‌ها موجب تفاوت بین قیمت داخلی و جهانی این محصولات شده و قیمت مصرف‌کننده را تغییر می‌دهد (سازمان هم‌کاری و توسعه‌ی اقتصادی، ۲۰۰۲). به بیان دیگر، دخالت در بازار محصولات

کشاورزی و تغییر قیمت کالاهای کشاورزی در مقایسه با قیمت‌های بازار آزاد (جهانی) هزینه‌های مصرفی مصرف‌کنندگان را تغییر خواهد داد. چنان چه قیمت داخلی محصولات به دلیل سیاست‌های حمایتی دولت از بخش تولید کشاورزی (اعمال قیمت‌های تضمینی بالاتر از قیمت جهانی) از قیمت‌های بازار جهانی بیش‌تر باشد، هزینه‌های مصرفی مصرف‌کننده نسبت به حالتی که قیمت‌های جهانی در بازار داخلی اعمال شود، افزایش خواهد یافت. برآورد حمایت از مصرف‌کننده متشکل از اجزای زیر است:

انتقال از مصرف‌کننده به تولیدکننده: این انتقال‌ها در اثر مصرف کالاهای تولید داخلی، توسط مصرف‌کننده در قیمت تضمینی بیش‌تر از قیمت جهانی صورت می‌گیرد که به صورت زیر بیان می‌شود:

$$TPC = P \times QC_d \quad (1)$$

که در آن، TPC انتقال از مصرف‌کننده به تولیدکننده، QC_d مقدار مصرف از تولید داخلی و P اختلاف قیمتی بین قیمت داخلی و قیمت جهانی تعدیل شده کالا است که در بخش (ب) چه‌گونگی محاسبه‌ی آن بیان می‌شود.

دیگر انتقال‌ها از مصرف‌کننده: پرداخت به خزانه‌ی دولت یا به واردکننده یا به هر دوی آن‌ها به دلیل بخشی از مصرف که از خارج کشور وارد می‌شود، به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$OTC = \Delta P \times QC_m \quad (2)$$

که در آن، OTC سایر انتقال‌ها از مصرف‌کننده، P اختلاف قیمت بین قیمت داخلی و قیمت جهانی تعدیل شده کالا و Q_m مقدار مصرف از واردات را نشان می‌دهد.

انتقال از مالیات‌دهنده به مصرف‌کننده (پرداخت‌های بودجه‌ای): شامل خالص همه‌ی پرداخت‌ها به مصرف‌کننده است که اثر سیاست حمایتی را که موجب انتقال درآمد از مصرف‌کننده به تولیدکننده می‌شود؛ خنثی می‌کند. مانند یارانه‌ای که به مصرف‌نان تعلق می‌گیرد. آمار مربوط به این پرداختی‌ها در اطلاعات هزینه‌های بودجه‌ای دولت موجود است.

ب) محاسبه‌ی اختلاف قیمت بازار

با فرض بازار رقابتی، قیمت‌های به وقوع پیوسته‌ی مشخص در کشور کوچک - که سیاست‌های داخلی و خارجی آن بر قیمت‌های جهانی تاثیرگذار نیست - قیمت سر مزرعه‌ی یک محصول، P_d ، با قیمت مرجع تعدیل شده^۱، P_{ar} ، مقایسه می‌شود. چه‌گونه‌ی محاسبه و تعدیل P_{ar} برای کالاهای وارداتی و صادراتی به صورت زیر بیان می‌شود:

$$P_{ar} = P_r \times Q_{adj} + (C_p + T_{d1}) - (T_{d2} + M) \quad (۳) \text{ برای کالای وارداتی}$$

$$P_{ar} = P_r \times Q_{adj} - (C_p + T_{d1}) - (T_{d2} + M) \quad (۴) \text{ برای کالای صادراتی}$$

که در آن، P_{ar} قیمت مرجع تعدیل شده، P_r قیمت کالا در سر مرز، C_p هزینه‌های مرزی (همه‌ی انواع هزینه‌های گمرکی و غیرگمرکی در لب مرز به غیر از تعرفه‌ها و هزینه‌هایی که ناشی از سیاست‌های تجاری است). T_{d1} کلیه‌ی هزینه‌های بارگیری، حمل و نقل، تخلیه، نگهداری و بازاریابی کالای وارداتی از لب مرز تا بازار عمده‌فروشی، T_{d2} کلیه‌ی هزینه‌های بارگیری، حمل و نقل، تخلیه، نگهداری و بازاریابی کالای داخلی از مزرعه تا بازار عمده‌فروشی، M کلیه‌ی هزینه‌های فرآوری و بازاریابی کالای داخلی از مزرعه تا بازار عمده‌فروشی، Q_{adj} ضریب تعدیل تفاوت‌های کالایی^۲ است. به این ترتیب، روابط بالا قیمت تولید کالای داخل و وارداتی یا صادراتی را در سطح خاصی از بازار (سر مزرعه) قابل مقایسه می‌کند. نکته‌ی با اهمیت در این محاسبات، تفاوت کالاهای مورد مقایسه (تجاری و داخلی) از نظر کیفیت است (سازمان توسعه و هم‌کاری‌های اقتصادی، ۲۰۰۷)، که برای لحاظ کردن این موضوع، ضریب تفاوت کالایی در روابط وارد شده است.

در روابط بالا، قیمت سر مرز کالا، P_r ، برای کالای وارداتی از رابطه‌ی زیر محاسبه می‌شود:

$$P_r = P_{exporter} + (T_i + C_i) \quad (۵)$$

1-Adjusted Reference Price

۲ این ضریب دلالت بر تفاوت کیفی کالایی می‌کند و هنگامی که بزرگ تر از صفر باشد به این معنی است که کیفیت کالای داخل نامطلوب تر از کالای تجاری (وارداتی یا صادراتی) است.

که در آن، P_{exporter} قیمت F.O.B.^۱ کالا در کشور صادرکننده، T_i هزینه‌های حمل و نقل جهانی و C_i دیگر هزینه‌های جهانی حمل کالا (مانند بیمه) تا لب مرز کشور واردکننده است. یا این که قیمت C.I.F.^۲ در سر مرز کشور واردکننده کالا (بدون لحاظ کردن تعرفه و سیاست‌های مشابه)، قیمت سر مرز کالا در نظر گرفته می‌شود.

به طور مشابه، قیمت سر مرز، P_r ، برای کالای صادراتی نیز از رابطه‌ی زیر محاسبه می‌شود:

$$P_r = P_{\text{importer}} + (T_i + C_i) \quad (6)$$

که در آن، P_{importer} قیمت C.I.F. قیمت لب مرز کشور واردکننده کالا است. T_i و C_i نیز هزینه‌های جهانی انتقال کالا از مرز کشور صادرکننده تا مرز کشور واردکننده است. یا این که قیمت F.O.B. کشور صادرکننده کالا را می‌توان به طور مستقیم به عنوان قیمت سر مرز (P_r)، در نظر گرفت. بنابراین شکاف قیمتی در سطح مزرعه برای هر واحد از محصول به صورت اختلاف قیمت داخلی (P_d) و قیمت مرجع تعدیل شده (P_{ar}) محاسبه می‌شود:

$$P = P_d - P_{\text{ar}} \quad (7)$$

ج) روش محاسبه‌ی برآورد حمایت از مصرف‌کننده

برآورد حمایت از مصرف‌کننده برای هر کالا به صورت رابطه‌ی زیر تعریف می‌شود:

$$CSE_j = G_j - (TPC_j + OTC_j) \quad (8)$$

که در آن، TPC انتقال از مصرف‌کننده به تولیدکننده، OTC دیگرانتقال‌ها از مصرف‌کننده و G مقدار یارانه‌ی مصرفی و حمایت‌های بودجه‌ای دولت را نشان می‌دهد. با قرار دادن روابط (۱) و (۲) در رابطه‌ی (۸) و با توجه به رابطه‌ی (۷)، برآورد حمایت از مصرف‌کننده را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

$$CSE_j = G_j - ((P_d - P_{\text{ar}}) \times QC_d + (P_d - P_{\text{ar}}) \times QC_m) \quad (9)$$

1-Free On Broad

2-Cost, Insurance and Freight

ارزیابی برآورد حمایت از مصرف کنندگان نان در ایران

که در آن، QC_d مقدار مصرف کالای ز از تولید داخل، QC_m مقدار مصرف کالای ز از واردات، P_d قیمت داخلی کالای ز، P_{ar} قیمت مرجع تعدیل شده کالای ز، G_j میزان یارانه‌ی مصرفی و حمایت‌های بودجه‌ای دولت از کالای ز است.

همه‌ی انتقال‌هایی که در برآورد حمایت از مصرف‌کننده وارد می‌شود (مالیات‌های ضمنی گرفته شده از تولیدکننده و حمایت‌های بودجه‌ای دولت) هزینه‌های مصرفی مصرف‌کننده را زیر تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین، برآورد حمایت از مصرف‌کننده برای یک کشور و برای یک کالا را می‌توان به دو صورت تعریف کرد:

الف) حمایت درصدی از مصرف‌کننده^۱ (CSE%): این شاخص، درصدی از ارزش کل هزینه‌های مصرفی مصرف‌کننده‌ی کالای خاص کشاورزی است که در قیمت سر مزرعه از آن کالا ارزش‌گذاری شده است. هم‌چنین افزون بر انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده به تولیدکننده، حمایت‌های بودجه‌ای دولت را نیز شامل می‌شود. برای نمونه یک شاخص حمایت درصدی برابر با $+60$ درصد نشان می‌دهد که 60 درصد از هزینه‌های مصرفی مصرف‌کننده به وسیله‌ی سیاست‌های حمایتی پوشش داده شده است.

ب) ضریب کمک اسمی مصرف‌کننده^۲: این ضریب، نرخ بین ارزش هزینه‌های مصرفی کالاهای کشاورزی در قیمت سر مزرعه و ارزش این هزینه‌ها در قیمت سر مرز است. زمانی که این ضریب برابر ۱ باشد، به آن مفهوم است که هزینه‌های مصرفی مصرف‌کننده در قیمت بازار با ارزش این هزینه‌ها در قیمت سر مرز یکسان بوده و در نتیجه حمایت‌ها (چه از مصرف‌کننده و چه از تولیدکننده) اثری بر هزینه‌های مصرفی مصرف‌کننده نداشته است. بنابراین هر چه این ضریب بزرگ‌تر باشد، سهم بازار در هزینه‌های مصرفی به همان نسبت کم‌تر بوده و حمایت از تولیدکننده نقش بیش‌تری در هزینه‌های مصرفی داشته است؛ و چنان چه این ضریب کوچک‌تر از ۱ باشد، نشان می‌دهد که سیاست‌های حمایتی (حمایت از تولیدکننده) موجب کاهش هزینه‌های مصرفی شده است. به سخن دیگر، سیاست‌های حمایتی

1-Percentage of Consumers Support Estimate (CSE%)

2-Consumer Nominal Assistance Coefficient (NACC)

بیش تر در جهت حمایت از مصرف کننده بوده است. %CSE و NAC_c بر اساس روابط زیر محاسبه می شود:

$$\%CSE = CSE / (VQ_{cd} - G) \times 100 \quad (10)$$

که در آن، %CSE حمایت درصدی از مصرف کننده، CSE برآورد حمایت از مصرف کننده، G انتقال از مالیات دهنده به مصرف کننده (حمایت های بودجه ای دولت)، VQ_{cd} ارزش مصرف در قیمت سر مزرعه است.

$$NAC_c = (CSE / VQ_{cb}) + 1 = 1 - \frac{\%CSE}{(100 + \%CSE)} \quad (11)$$

که در آن، NAC_c ضریب حمایت اسمی مصرف کننده، CSE برآورد حمایت از مصرف کننده و VQ_{cb} ارزش مصرف در قیمت جهانی است.

افزون بر این، شاخص دیگری نیز برای محاسبه ی حمایت از مصرف کننده وجود دارد که ضریب حمایت اسمی مصرف کننده^۱ است. این شاخص نسبت قیمت های پرداختی مصرف کننده (بر حسب قیمت های سر مزرعه) به قیمت های پرداختی بر حسب قیمت مرزی را نشان می دهد. بنابراین اگر ضریب حمایت اسمی مصرف کننده ۱ باشد، نشان می دهد که قیمت پرداختی مصرف کننده، برابر قیمت سر مرز محصول است. هر چه این ضریب بزرگ تر از ۱ باشد، به آن مفهوم است که قیمت پرداختی مصرف کننده به همان نسبت بیش تر از قیمت سر مرز بوده است. ضریب حمایت اسمی مصرف کننده به صورت زیر محاسبه می شود:

$$NPC_c = (P_d - P_b) / P_b + 1 \quad (12)$$

که در آن، NPC_c ضریب حمایت اسمی مصرف کننده، P_d قیمت داخلی (قیمت تولید کننده) و P_b قیمت مرزی است.

1-Consumer Nominal Protection Coefficient (NPCC)

چه گونگی محاسبه‌ی حمایت از مصرف کنندگان نان برای ایران

در ایران با توجه به این که تمام مراحل خرید گندم، تولید و توزیع آرد در مهار دولت است، بنابراین چه گونگی محاسبه‌ی میزان حمایت بر اساس رابطه‌ی (۱۰) در ایران تا حدودی متفاوت از دیگر کشورها است. به طوری که انتقال‌های قیمتی که از تولیدکنندگان گندم به مصرف کنندگان و برعکس صورت می‌گیرد، به مصرف‌کننده‌ی نهایی (مصرف‌کننده‌ی نان) به طور مستقیم انتقال پیدا نمی‌کند؛ بلکه این انتقال‌ها از طریق دولت و در قالب پرداخت‌های بودجه‌ای صورت می‌گیرد. به بیان دیگر دولت با توجه به قیمت وارداتی گندم (که تعدیلات آن با نرخ ارز یارانه‌ای صورت می‌گیرد) و قیمت تولیدکننده‌ی داخلی و دیگر هزینه‌هایی که برای تولید گندم به آرد و مراحل توزیع آرد لازم است، میزان یارانه را مشخص می‌کند. به سخن دیگر، در یارانه‌ی مصرفی مشخص شده در بودجه، تا حدودی انتقال‌های قیمتی نیز در نظر گرفته می‌شود. بنابراین یارانه‌های مصرفی که در بودجه‌ی سالانه برای نان اعلام می‌شود تنها یارانه‌ای است که سرانجام به مصرف‌کننده‌ی نان اختصاص می‌یابد. از این رو میزان حمایت از مصرف‌کننده و حمایت درصدی به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$CSE_j = G_j \quad (13)$$

$$\%CSE = CSE/(VQ_{cd}) \times 100 \quad (14)$$

با این حال در این پژوهش انتقال‌های قیمتی (اختلاف قیمت گندم وارداتی (تعدیل شده با نرخ ارز آزاد) و قیمت تولیدکننده) که بین تولیدکنندگان و دولت به عنوان مصرف‌کننده‌ی اولیه‌ی گندم، صورت می‌گیرد نیز مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش شامل سطح مصرف و قیمت داخلی و قیمت وارداتی گندم و نیز مقدار یارانه‌های نان، هزینه‌های حمل‌ونقل، بارگیری و فراوری، سطح تولید و نرخ ارز آزاد است. این داده‌ها اغلب از سازمان حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده، وزارت بازرگانی، گمرک جمهوری اسلامی ایران، سازمان حمل‌ونقل و پایانه‌های کشوری و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران جمع‌آوری شده است.

نتایج و بحث

نتایج برآورد و محاسبه‌ی الگوی تجربی بر اساس روابط (۱) تا (۱۴) طی دوره‌ی زمانی ۱۳۶۸-۱۳۸۵ ارائه شده است. تمامی محاسبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار صفحه گسترده‌ی اکسل^۱ انجام شده است. در جدول (۱)، میزان کل حمایت از مصرف‌کننده (CSE) که برابر با یارانه‌های مصرفی در نظر گرفته شد انتقال‌های قیمتی بین تولیدکنندگان و دولت به عنوان تنها مصرف‌کننده‌ی اولیه‌ی گندم و اختلاف بین انتقال‌های قیمتی که بین تولیدکننده و دولت صورت گرفته با میزان یارانه‌ای که دولت به مصرف‌کننده‌ی نان می‌پردازد، آمده است.

جدول (۱). برآورد حمایت از مصرف‌کننده‌ی نان، انتقال‌های قیمتی و درصد تغییرات حمایت از مصرف‌کننده و اختلاف انتقال‌های قیمتی و حمایت از مصرف‌کننده در ایران طی دوره‌ی ۸۵-۱۳۶۸. ارقام به میلیارد ریال

برنامه‌های توسعه	سال	کل انتقال‌های قیمتی	انتقال از تولیدکننده به دولت	دیگر انتقال‌ها به دولت	انتقال به مصرف‌کننده (CSE)	درصد تغییرات CSE (درصد)	اختلاف انتقال‌های قیمتی و CSE
برنامه‌ی اول توسعه	۱۳۶۸	۱۷۲۸	۱۱۲۹	۵۹۹	۴۵	-	-1683
	۱۳۶۹	۱۸۳۳	۱۵۴۶	۲۸۷	۱۷۱	۲۸۰	-1662
	۱۳۷۰	۵۳۳	۴۵۹	۷۴	۲۵۰	۴۶	-283
	۱۳۷۱	۱۳۱۸	۱۲۵۲	۶۶	۵۱۲	۱۰۴/۸	-806
	۱۳۷۲	۷۸۹/۵	۷۸۴	۵/۵	۱۱۵۴	۱۲۵	364.5
	۱۳۷۳	۱۸۲۶	۱۸۲۶	۰	۲۰۹۵	۸۱/۵	269
میانگین	۱۳۳۷/۹	۱۱۶۶	۱۷۲	۷۰۵	۱۲۷	۶۳۲.۹	
برنامه‌ی دوم توسعه	۱۳۷۴	۵۳۶۸	۵۳۶۸	۰	۲۸۸۱	۳۷/۵	-2487
	۱۳۷۵	۵۱۵۳	۴۶۵۰	۵۰۳	۳۶۰۹	۲۵/۲	-1544
	۱۳۷۶	۳۹۶۵	۳۳۵۵	۶۱۰	۳۳۹۰	۶ -	-575
	۱۳۷۷	۳۴۲۷	۳۴۲۷	۰/۱۵۷	۴۴۴۷	۳۱	1020
	۱۳۷۸	۴۲۶۸	۳۰۶۶	۱۲۰۲	۵۲۰۰	۱۶/۹	932
	میانگین	۴۴۳۶	۳۹۷۳	۴۶۳	۳۹۰۵	۲۰/۹	۵۳۱

ارزیابی برآورد حمایت از مصرف کنندگان نان در ایران

ادامه جدول (۱). برآورد حمایت از مصرف کننده‌ی نان، انتقال‌های قیمتی و ...

برنامه‌های توسعه	سال	کل انتقال‌های قیمتی	انتقال از تولیدکننده به دولت	دیگر انتقال‌ها به دولت	انتقال به مصرف کننده (CSE)	درصد تغییرات CSE(درصد)	اختلاف انتقال‌های قیمتی و CSE
برنامه‌ی سوم توسعه	۱۳۷۹	۹۷۱	۶۳۲	۳۳۹	۵۸۳۵	۱۲/۲	۴۸۶۴
	۱۳۸۰	۹۸۸	۴۲۷	۴۶۱	۶۸۱۹	۱۶/۸	۵۸۳۱
	۱۳۸۱	۵۹۶۱	۵۷۵۵	۲۰۶	۱۰۰۶۱	۴۷/۵	۴۱۰۰
	۱۳۸۲	۵۴۷۰	۵۴۷۰	۰	۱۲۱۳۲	۲۰/۵	۶۶۶۲
	۱۳۸۳	۴۵۱۹	۴۵۱۹	۰	۱۵۲۰۶	۲۵/۲۳	۷۶۸۷
میانگین	۴۷۹۳	۴۷۶۷	۲۶/۶	۱۰۰۱۰/۶	۲۴/۴۶	۶۲۱۷/۶	
برنامه‌ی چهارم توسعه	۱۳۸۴	۴۱۰۶۰	۴۱۰۶۰	۰	۲۲۱۰۴	۴۵	۱۱۰۴۴
	۱۳۸۵	۹۸۳۰	۹۸۳۰	۰	۲۴۱۶۴	۹/۳	۱۴۳۳۴
	میانگین	۴۰۴۴۵	۴۰۴۴۵	۰	۲۳۱۳۴	۲۷	۱۲۶۸۹

ماخذ: یافته‌های پژوهش و سازمان حمایت از تولیدکننده و مصرف کننده

چنانچه در جدول (۱) دیده می‌شود، کل حمایت از مصرف کننده‌ی نان در طول دوره‌ی مورد بررسی روند افزایشی داشته است به طوری که از میانگین ۷۰۵ میلیارد ریال در برنامه‌ی اول توسعه به ۲۳۱۳۴ میلیارد ریال در برنامه‌ی چهارم توسعه افزایش یافته است. با این حال درصد رشد میزان حمایت طی برنامه‌ی اول توسعه (۴۳٪)، بیش از دیگر برنامه‌ها است. به طوری که سطح حمایت از مصرف کننده‌ی نان از ۴۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ به ۲۰۹۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ رسیده است که این مقادیر نشان می‌دهد مقدار حمایت از مصرف کنندگان در سال انتهایی برنامه‌ی اول توسعه ۴۶ برابر آن در سال ابتدای برنامه بوده است. در طول برنامه‌ی دوم توسعه، حمایت از مصرف کننده‌ی نان نسبت به برنامه‌ی اول در سطح بالاتری قرار گرفته، به طوری که متوسط سطح حمایت در این برنامه به ۳۹۰۵ میلیارد ریال افزایش یافته است اما میانگین درصد رشد سالانه‌ی حمایت، کم‌تر از برنامه‌ی اول بوده و برابر ۲۱ درصد برآورد شده است. در برنامه‌ی سوم و چهارم میزان حمایت از مصرف کنندگان هم‌چنان روند افزایشی داشته و هر ساله به حجم حمایت‌ها اضافه شده است. چنان‌چه در

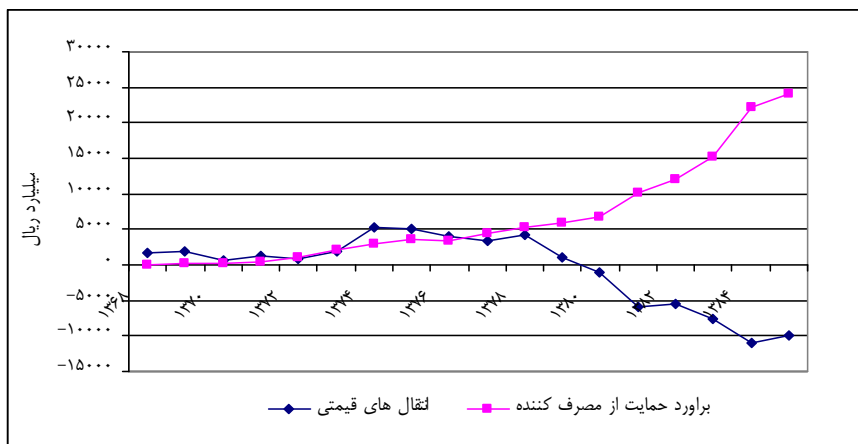
برنامه‌ی سوم توسعه به طور متوسط، سالانه ۲۴ درصد به میزان حمایت افزوده شده است. در سال ۱۳۸۱ حمایت از مصرف‌کننده، ۴۷ درصد رشد داشته که بیش‌ترین مقدار در طول برنامه‌ی دوم و سوم توسعه بوده است. رشد زیاد حمایت در این سال به دلیل افزایش هزینه‌ی خرید گندم در پی اجرای طرح خودکفایی گندم است. به بیان دیگر از این سال به بعد دولت افزون بر حمایت از مصرف‌کننده، از تولیدکننده‌ی گندم نیز حمایت کرده است، پس یارانه‌ی در نظر گرفته شده در بودجه را افزایش داده است. در سال ابتدایی برنامه‌ی چهارم نیز (۱۳۸۴) حمایت از مصرف‌کننده‌ی نان افزایش بسیار زیادی یافته به طوری که نسبت به سال قبل از آن ۴۵ درصد رشد داشته است. عمده‌ترین دلیل افزایش قابل توجه مقدار حمایت از مصرف‌کنندگان نان در برنامه‌ی چهارم مربوط به تامین کامل یارانه‌ها از طریق بودجه بوده است؛ به این دلیل که تا قبل از سال ۱۳۸۴ (سال شروع برنامه‌ی چهارم) بخشی از منابع تامین یارانه‌های مصرفی از طریق مابه‌تفاوت گندم وارداتی که با نرخ ارز دولتی وارد می‌شد و گندم تولید داخل تامین می‌شد؛ اما از سال ۱۳۸۴ این مابه‌تفاوت محاسبه نشده و در واقع همه‌ی حجم گندم مورد نیاز از تولید داخل تامین شده است.

در ستون اول جدول (۱)، انتقال‌های قیمتی آمده است که بین تولیدکننده‌ی گندم و مصرف‌کننده (دولت) صورت گرفته است. انتقال‌های قیمتی، اختلاف بین قیمت داخلی گندم و قیمت وارداتی آن را- که با نرخ ارز آزاد تعدیل شده در میزان مصرف گندم نشان می‌دهد. با توجه به جدول، تا سال ۱۳۸۱ که قیمت داخلی گندم از قیمت وارداتی آن کم‌تر بوده، انتقال‌های قیمتی به دولت مثبت بوده است و از تولیدکنندگان گندم به نفع مصرف‌کننده (دولت) مالیات پنهان گرفته شده است. به بیان دیگر اگر دولت، گندم مورد نیاز خود را با قیمت وارداتی و با نرخ ارز آزاد وارد می‌کرد، به میزان انتقال‌های قیمتی بیان شده در جدول (۱) متحمل هزینه می‌شد. اما از آن جا که دولت گندم وارداتی را با نرخ ارز یارانه‌ای وارد کرده است، میزان حمایتی که در بودجه در نظر گرفته شده است در برخی سال‌ها کم‌تر از میزان انتقال‌های قیمتی بوده است. به سخن دیگر بر اساس ستون آخر جدول (۱)، در برخی از سال‌ها (۴۱ ۱۳۶۸ و ۴۶ ۱۳۷۴) حجم یارانه‌ی در نظر گرفته شده برای حمایت از

ارزیابی برآورد حمایت از مصرف کنندگان نان در ایران^۱

مصرف کنندگان، کم تر از میزان انتقال های قیمتی بوده که از تولیدکنندگان به دولت صورت گرفته است. به طوری که مقدار حمایت از مصرف کننده ی نان در برنامه ی اول و دوم توسعه، به ترتیب ۶۳۲/۹ و ۵۳۱ میلیارد ریال کم تر از انتقال های قیمتی به دولت بوده است. از سال ۱۳۸۱ که قیمت تضمینی گندم به دلیل اجرای طرح خودکفایی گندم بیش تر از قیمت وارداتی آن شده است، انتقال های قیمتی بر خلاف سال های قبل از دولت به تولیدکنندگان صورت گرفته است. به طوری که میزان این انتقال ها در برنامه ی سوم ۳۷۹۳ میلیارد ریال و در برنامه ی چهارم ۱۰۴۴۵ میلیارد ریال برآورد شده است. در این دوره یارانه های مصرفی در نظر گرفته شده در بودجه نیز افزایش یافته تا هزینه ی انتقال های قیمتی به تولیدکننده نیز پوشش داده شود. بنابراین مقدار حمایت از مصرف کننده ی نان به طور متوسط در برنامه ی سوم و چهارم توسعه، به ترتیب ۶۲۱۷/۶ و ۱۲۶۸۹ میلیارد ریال بیش تر از انتقال های قیمتی از دولت به تولیدکننده بوده است.

در نمودار (۱) انتقال های قیمتی از تولیدکننده به مصرف کننده و برآورد حمایت از مصرف کننده، آورده شده است.



نمودار (۱). روند انتقال های قیمتی و CSE

ماخذ: بانک مرکزی و یافته های پژوهش

این نمودار نشان می‌دهد که از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۸۰ (دوره‌ی زمانی برنامه‌ی اول و دوم توسعه) روند انتقال‌های قیمتی و برآورد حمایت از مصرف‌کننده نزدیک به هم بوده و اگر چه در برخی سال‌ها حمایت از مصرف‌کننده بیش‌تر از انتقال‌های قیمتی و در برخی سال‌ها کم‌تر بوده است؛ با این حال اختلاف بین آن‌ها زیاد نبوده است. اما از سال ۱۳۸۱ که طرح خودکفایی گندم اجرا شده است انتقال‌های قیمتی به دولت (مصرف‌کننده‌ی اولیه‌ی گندم) منفی شده و بنابراین دولت به منظور جبران افزایش قیمت گندم و انتقال ندادن آن به مصرف‌کننده‌ی نهایی (نان)، حجم حمایت از مصرف‌کننده (یارانه‌های مصرفی) را افزایش داده است. به بیان دیگر بعد از سال ۱۳۸۱ سیاست‌های حمایتی دولت هم تولیدکننده‌ی گندم و هم مصرف‌کننده‌ی نان را شامل شده است. در حالی که تا قبل از طرح خودکفایی گندم، مصرف‌کننده‌ی نان مورد حمایت بوده و اما از تولیدکننده مالیات پنهان گرفته شده است.

در ارزیابی سیاست‌های حمایتی از مصرف‌کننده‌ی نان، حمایت درصدی از مصرف‌کننده، ضریب حمایت اسمی و ضریب کمک اسمی مصرف‌کننده‌ی نان، شاخص‌های مهم‌تری نسبت به برآورد حمایت از مصرف‌کننده‌اند. از آن‌جا که این شاخص‌ها به صورت درصد و نرخ بیان می‌شوند، زیر تاثیر عواملی مانند نرخ تورم، اندازه و ساختار بخش کشاورزی و اهمیت نسبی کالاها در بخش کشاورزی قرار نمی‌گیرند. بنابراین مقایسه‌ی به‌تری از حمایت را در طول زمان، بین کشورهای مختلف و هم‌چنین بین کالاهای مختلف، ارایه می‌دهند. نتایج برآورد این شاخص‌ها برای کالای نان طی دوره‌ی مورد بررسی (۸۵-۱۳۶۸) در جدول (۲) آمده است.

شاخص حمایت درصدی (% CSE) بیان می‌کند که چند درصد از هزینه‌های مصرفی نان از طریق سیاست‌های حمایتی پوشش داده شده است. با توجه به جدول، حمایت درصدی مصرف‌کنندگان نان طی دوره‌ی مورد بررسی روند افزایشی داشته است و از میانگین ۳۲ درصد در برنامه‌ی اول توسعه به ۹۲ درصد در برنامه‌ی چهارم توسعه افزایش یافته است. بر اساس این مقادیر، در برنامه‌ی اول توسعه ۳۲ درصد از هزینه‌های مصرفی نان به وسیله‌ی سیاست‌های حمایتی تامین شده است و در برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی این مقدار به ۹۲ درصد

ارزیابی برآورد حمایت از مصرف کنندگان نان در ایران^۱

رسیده است. به بیان دیگر به اضافه شدن حجم یارانه‌های مصرفی، هر ساله سهم بیش‌تری از

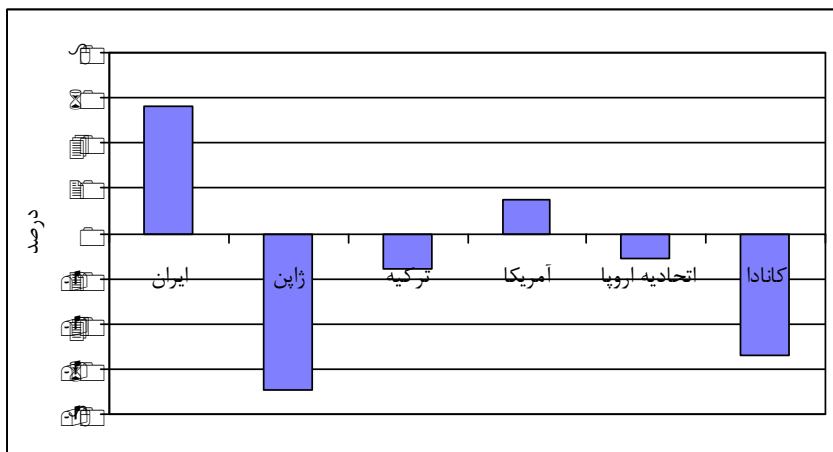
جدول (۲). میزان حمایت درصدی، ضریب حمایت اسمی و ضریب کمک اسمی مصرف‌کننده‌ی

نان در ایران طی دوره‌ی ۸۳ ۱۳۶۸

برنامه‌های توسعه	سال	CSE%	NAC _c	NPC _c
برنامه‌ی اول توسعه	۱۳۶۸	۴/۸۴	۰/۹۵	۰/۳۵
	۱۳۶۹	۱۷/۵۴	۰/۸۵	۰/۳۵
	۱۳۷۰	۱۸/۱۲	۰/۸۵	۰/۷۲
	۱۳۷۱	۳۲/۲۲	۰/۷۶	۰/۵۵
	۱۳۷۲	۴۷/۵	۰/۶۸	۰/۷۵
	۱۳۷۳	۷۲/۷۱	۰/۵۸	۰/۶۱
	میانگین	۳۲/۱۵	۰/۷۸	۰/۵۵
برنامه‌ی دوم توسعه	۱۳۷۴	۷۳/۲	۰/۵۸	۰/۳۶
	۱۳۷۵	۷۷/۲۸	۰/۵۶	۰/۴۷
	۱۳۷۶	۵۹/۱	۰/۶۳	۰/۵۹
	۱۳۷۷	۶۲/۵۴	۰/۶۲	۰/۶۷
	۱۳۷۸	۶۴/۳۷	۰/۶۱	۰/۶۵
	میانگین	۶۷/۳	۰/۶	۰/۵۶
	برنامه‌ی سوم توسعه	۱۳۷۹	۵۳/۸۳	۰/۶۵
۱۳۸۰		۵۰/۵۸	۰/۶۶	۱/۰۸
۱۳۸۱		۶۱/۰۷	۰/۶۲	۱/۵۶
۱۳۸۲		۶۳/۸۱	۰/۶۱	۱/۴
۱۳۸۳		۷۰/۷۷	۰/۵۹	۱/۵۳
میانگین		۶۰/۰۱	۰/۶۳	۱/۲۹
برنامه‌ی چهارم توسعه		۱۳۸۴	۹۲/۶۹	۰/۵۲
	۱۳۸۵	۹۱/۷۷	۰/۵۲	۱/۴۷
	میانگین	۹۲/۲۳	۰/۵۲	۱/۶۶

ماخذ: یافته‌های پژوهش

هزینه‌های مصرفی مصرف‌کنندگان نان توسط دولت تامین شده است. در این بین مقایسه‌ی بین سطوح حمایتی از مصرف‌کنندگان نان در ایران و کشورهای منتخب نشان می‌دهد که حمایت درصدی از مصرف‌کنندگان نان در ایران اختلاف زیادی با میزان حمایت در دیگر کشورها دارد. برای این منظور، متوسط حمایت درصدی مصرف‌کنندگان نان طی دوره‌ی زمانی ۸۵ تا ۱۳۶۸ برای برخی از کشورهای عضو سازمان هم‌کاری و توسعه‌ی اقتصادی و کشور ترکیه در نمودار (۲) آمده است.



نمودار (۲). حمایت درصدی از مصرف‌کننده‌ی نان در کشورهای منتخب طی دوره‌ی ۸۵ تا ۶۸

ماخذ: OECD و یافته‌های پژوهش

این نمودار نشان می‌دهد که حمایت درصدی از مصرف‌کننده‌ی نان در این کشورها در دوره‌ی مورد بررسی، منفی و یا بسیار پایین بوده است. به طوری که میانگین درصد حمایت از مصرف‌کننده‌ی نان در کشور ترکیه ۴۶ درصد، در ژاپن ۶۹ درصد، در اتحادیه‌ی اروپا ۴۱ درصد، در کانادا ۵۴ درصد و در ایالات متحده‌ی آمریکا ۱۵ درصد برآورد شده است. در حالی که حمایت درصدی از مصرف‌کننده‌ی نان در ایران طی این دوره نزدیک به ۵۶ درصد است. این نتایج، ساختار متفاوت نظام حمایتی ایران با این کشورها را به خوبی نشان می‌دهد.

ارزیابی برآورد حمایت از مصرف کنندگان نان در ایران^۱

شاخص دیگری که در ارزیابی سیاست‌های حمایتی از مصرف‌کننده‌ی نان استفاده می‌شود، ضریب کمک اسمی مصرف‌کننده است که نتایج برآورد آن در ستون دوم جدول (۲) آمده است. این شاخص نشان می‌دهد که چند درصد از هزینه‌های مصرفی نان که در قیمت سر مرز ارزش‌گذاری شده، از طریق سیاست‌های حمایتی تامین می‌شود. به سخن دیگر، زمانی که قیمت بازار داخلی، قیمت جهانی باشد و مصرف‌کننده هزینه‌های مصرفی خود را براساس این قیمت ارزش‌گذاری کند، حمایت‌ها چند درصد از این هزینه‌ها را پوشش می‌دهد. براساس یافته‌های این پژوهش ضریب کمک اسمی برای مصرف‌کننده‌ی نان در ایران در تمام دوره‌ی مورد بررسی کم‌تر از ۱ بوده است که نشان می‌دهد سیاست‌های حمایتی (چه از تولیدکننده و چه از مصرف‌کننده) باعث کاهش هزینه‌های مصرفی نان شده است. به طوری که در دوره‌ی زمانی ۴۳-۱۳۶۸، سیاست‌های حمایتی، به طور متوسط ۲۲ (۷۸/۱+) درصد هزینه‌های مصرفی نان را نسبت به زمانی که قیمت جهانی در بازار حاکم باشد، کاهش داده است. به سخن دیگر، چنانچه قیمت بازار داخلی، قیمت جهانی باشد و همه‌ی حمایت‌ها حذف شود، هزینه‌های مصرفی نان به طور متوسط ۲۲ درصد در برنامه‌ی اول توسعه افزایش می‌یابد. در برنامه‌های دوم تا چهارم نیز سیاست‌های حمایتی سهم بیشتری از هزینه‌های مصرفی نان را پوشش داده‌اند به طوری که در برنامه‌ی دوم ۴۰ درصد، در برنامه‌ی سوم ۳۷ درصد و در برنامه‌ی چهارم ۴۸ درصد از هزینه‌های مصرفی نان نسبت به زمانی که قیمت جهانی در بازار حاکم باشد، با اعمال سیاست‌های حمایتی کاهش یافته است.

ضریب حمایت اسمی مصرف‌کننده‌ی گندم که در ستون ۳ جدول (۲) آمده است، نسبت قیمت پرداختی مصرف‌کننده (در سطح مزرعه) را به قیمت سر مرز نشان می‌دهد. چنانچه این ضریب برابر با ۱ باشد، قیمت پرداختی مصرف‌کننده با قیمت سر مرز، برابر است. هرچه این ضریب بزرگ‌تر از ۱ باشد، به همان نسبت قیمت مصرف‌کننده بیش‌تر از قیمت سر مرز بوده است. با توجه به جدول (۲)، ضریب حمایت اسمی مصرف‌کننده‌ی گندم (دولت) در ایران در دوره‌ی ۴۹-۱۳۶۸ کم‌تر از ۱ است. این موضوع نشان می‌دهد قیمت پرداختی مصرف‌کننده‌ی گندم از قیمت جهانی آن کم‌تر است، به طوری که در سال ۱۳۶۸ قیمت پرداختی

مصرف‌کننده‌ی گندم بر اساس قیمت سر مزرعه، ۶۵ درصد (۳۵٪ +) کم‌تر از قیمت جهانی آن بود که این مقدار در سال ۱۳۷۹ به ۸ درصد رسید. در دوره‌ی ۸۵ تا ۱۳۸۰ ضریب حمایت اسمی مصرف‌کننده‌ی گندم بیش‌تر از ۱ بوده و نمایانگر افزایش قیمت پرداختی مصرف‌کننده‌ی گندم نسبت به قیمت جهانی است. در این دوره قیمت پرداختی مصرف‌کننده‌ی گندم به طور میانگین، ۴۸ درصد بیش‌تر از قیمت جهانی آن بوده است. در واقع بعد از خودکفایی گندم، هزینه‌ای که دولت بابت خرید گندم در نظر گرفته، افزایش یافته که این امر موجب افزایش یارانه‌های مصرفی تخصیص یافته به نان در بودجه شده است.

نتیجه‌گیری و پیش‌نهادها

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص حمایت از مصرف‌کننده‌ی نان از میانگین ۴۵ میلیارد ریال در برنامه‌ی اول به ۲۳۱۳۴ میلیارد ریال در برنامه‌ی چهارم افزایش یافته است. در همین دوره، انتقال‌های قیمتی که بین تولیدکننده و مصرف‌کننده (دولت) صورت گرفته از ۱۳۳۷/۹ میلیارد ریال به ۱۰۴۴۵ میلیارد ریال رسیده است. اختلاف بین این دو شاخص بیانگر آن است که در برنامه‌ی اول و دوم میزان حمایت‌های در نظر گرفته شده در بودجه برای یارانه‌های مصرفی نان کم‌تر از انتقال‌های قیمتی بوده که از تولیدکننده به دولت صورت گرفته است. اما در برنامه‌ی سوم و چهارم با وارونه شدن جهت انتقال‌های قیمت از دولت به تولیدکننده، حجم یارانه‌های مصرفی بیش‌تر از انتقال‌های قیمتی بوده که دلیل افزایش یارانه‌های مصرفی، اعمال سیاست‌های حمایتی از تولیدکننده در کنار سیاست‌های حمایتی از مصرف‌کننده بوده است. به بیان دیگر، افزایش یارانه‌های مصرفی (حمایت از مصرف‌کننده‌ی نان) در برنامه‌ی سوم و چهارم به طور عمده در جهت کاهش هزینه‌ی تولید آرد به علت افزایش قیمت گندم بوده است. بنابراین در صورت ادامه‌ی چنین روندی، دولت بایستی هر ساله در قبال افزایش قیمت گندم، پرداخت‌های بودجه‌ای به نان را افزایش دهد، که چنین سیاستی نه تنها باعث دور شدن دولت از هدف هدف‌مندسازی یارانه‌ها و کاهش هزینه‌های بودجه‌ای می‌شود بلکه باعث وابسته، غیر مولد و ناکارآمد ماندن مراحل تولید و فرآوری آرد نیز می‌شود. بنابراین

ارزیابی برآورد حمایت از مصرف کنندگان نان در ایران

پیش نهاد می شود سیاست های حمایتی از تولیدکننده از شکل حمایت های قیمتی (قیمت تضمینی) به حمایت های غیرقیمتی مانند پرداخت های مستقیم به تولیدکننده، پرداخت در جهت افزایش درآمد تولیدکننده و. تغییر کند و قیمت حاکم در بازار نزدیک به قیمت جهانی باشد تا از این طریق انتقال های قیمتی بین مصرف کننده و تولیدکننده به کم ترین اندازه برسد؛ تا به این ترتیب سطح حمایت های بودجه ای دولت نیز ثابت نگه داشته شود و در گذر زمان حذف شده و به سمت گروه های هدف تولید و مصرف سوق داده شود.

منابع

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترانزنامه ی سال ۱۳۸۳. پرمه، ز. و حیدری، خ. (۱۳۸۵). تعیین خا نوارهای نیازمند از بی نیاز با استفاده از آزمون تقریب میانگین (در راستای هدف مند کردن یارانه ها در ایران). ۱۰(۴۱): ۴۷. ۱.
- حسینی درویشانی، س. م. و غریب رضا، ع. (۱۳۸۲). بررسی و مقایسه ی سیاست های حمایتی در بخش کشاورزی و جهان، کشاورزی و جهانی شدن اقتصاد. همایش کشاورزی و توسعه ی ملی، موسسه ی پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۴۸۱-۷۵۳.
- حسینی، س. ص. و حسن پور، ا. (۱۳۷۹). ارزیابی آثار رفاه اقتصادی و کارایی سیاست غذای ارزان در ایران. *مجله ی علوم کشاورزی ایران*، ۳۱(۳): ۴۹-۱۷.
- حسینی، س. ص. (۱۳۸۵). الگوهای اقتصادی تحلیل قیمت و سیاست های کشاورزی. انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۴۸۰-۱۵۵.
- حمیدنژاد، م. (۱۳۷۳). سوبسید گندم و جست و جوی رابطه ی عدالت اجتماعی. *فصل نامه ی اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۸: ۴۵۹-۱۳۶.
- ضیایی، م. (۱۳۸۱). نظام توزیع یارانه ها و توسعه ی شهرنشینی در ایران (مقطع زمانی ۴۰-۱۳۵۰). *پژوهش های جغرافیایی*، ۳۴(۴۲): ۶۵-۴۴.
- فرج زاده، ز. و نجفی، ب. (۱۳۸۳). آثار کاهش یارانه ی مواد غذایی بر شاخص های فقر. *فصل نامه ی پژوهشی بانک و کشاورزی*، ۱(۳): ۴۳-۳۱.

موسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. (۱۳۸۴). فرآیند تحول سیاست‌های کشاورزی در ایران (به انضمام تجارت سایر کشورها). موسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، مدیریت امور پردازش و تنظیم یافته‌های تحقیقاتی. نجفی، ب. (۱۳۸۶). بررسی تجربیات جهانی یارانه‌ی غذا: ره‌یافتی برای ایران. *مجله‌ی اقتصاد و کشاورزی*، ۱(۲): ۳۶۱-۳۴۱.

نجفی، ب. و شوشتریان، ا. (۱۳۸۳). هدف‌مندسازی یارانه‌ها و حذف ناامنی غذایی (مطالعه‌ی موردی ارسنجان). *فصل‌نامه‌ی پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی*، ۳۱: ۴۵۱-۱۲۷.

Cakmak, E. H. (2003). Evaluation of the past and future agricultural policies in turkey: are they capable to achieve sustainability? Department of Economics Middle East Technical University, Ankara (Turkey).

Kwiencinski, A. and Tongeren, F. V. (2007). Quantitative evaluation of a decade of agricultural policies in china: 1995-2005. OECD's Trade and Agricultural Directorate, With Statistical and research Support from Ms.

OECD. (2007). Agricultural policies in non-OECD countries: Monitoring and Evaluation.

OECD. (2002). Methodology for the measurement of support use in policy evaluation.

OECD. (2005). Methodology for the measurement of support use in policy evaluation.

Portugal, L. (1999). Methodology for the measurement of support and use in policy evaluation. OECD, Paris.

Portugal, L. (2002). Methodology for the measurement of support and use in policy evaluation. OECD, Paris.